

قدیمی با حفظ

www.ketab.ir

گردآوری و نوشته
پروین چهره‌نگار

چهره‌نگار، پروین، ۱۳۲۴ - ، گردآورنده
 قدسی با حافظ، گردآوری و نوشته پروین چهره‌نگار، تهران،
 شبکه اندیشه، ۱۳۹۲.
 ۳۶۰ ص:
 شابک: 978-600-7760-03-1
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 موضوع: حافظ، شمس‌الدین محمد، - ۷۹۲ق. - دیوان - نقد و
 تفسیر، شعر فارسی - قرن ۸ق. - تاریخ و نقد
 زده‌بندی کنگره: PIR ۵۲۳۵/ج ۴، ۱۳۹۲
 زده‌بندی دیوبی: ۱/۳۲۸۸ شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۹۲۸۴۷۹



انتشارات شبکه اندیشه

تهران، بالاتر از پل سیدخندان، خیابان جلفا، کوچه قناری شرقی، پلاک ۱۴
 مرکز بخش: ۲۲۸۵۳۴۴۲

عنوان: قدمی با حافظ

نویسنده: پروین چهره‌نگار

ویراستار: سیما آبی

صفحه‌آرا و طراح جلد: پریسا رجبی‌مؤید

چاپ اول: ۱۳۹۴

قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ ریال

این کتاب در پانصد نسخه لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۶۰-۰۳-۱

■ فهرست:

۹	مقدمه:
۱۱	پیش‌گفتار
۱۳	چگونه شمس‌الدین محمد شاعر شد
۱۴	اوضاع کشور در دوره حافظ
۱۵	حافظ و خانواده‌اش
۱۹	پایان شکایت و ناله حافظ
۲۱	نذر
۲۲	فاتحه
۲۷	دُعا
۳۱	اشعار عربی
۳۳	سفرهای حافظ
۳۵	لیلی و مجنون
۳۹	شهر مدینه
۴۰	وضو
۴۳	تسبیح (رشته و دانه‌های تسبیح)
۴۴	آئینه اسکندر
۴۸	نماز و مسجد (مسجد الحرام)
۵۰	بجراپ مسجد
۵۱	سجده
۵۲	قبله و نماز
۵۵	شیرین و فرهاد
۵۹	حافظ و مثل
۶۲	یوسف و زلیخا

۸۸	چشم زخم
۹۱	چشمید و جام جم
۹۵	سلطان محمود غزنوی و آواز
۹۷	بهشت
۱۰۸	باد و خبر سانی
۱۱۲	ترک شیرازی
۱۱۵	چاه صبر
۱۱۷	زشم پیر زال
۱۱۸	ادم و حوا
۱۲۸	همای سعادت
۱۳۱	حضرت موسی
۱۴۸	گنج قارون
۱۵۳	مزرع سبز فلک
۱۵۵	منصور خلاج
۱۵۶	حاتم طایب
۱۵۸	نامه سیاه
۱۶۳	شیر، روباه، آهو، بلبل
۱۶۵	ساز و آواز
۱۷۱	دیو جانوس «دیو جنس»
۱۷۳	حضرت داوود، حضرت سلیمان و ملکه سبا
۲۱۴	عشق و دلدادگان
۲۱۹	کیمیا و کیمیاگری
۲۲۱	خانقاه - صومعه - دیر
۲۲۴	بهرام گور «بهرام پنجم سلسله ساسانی»
۲۲۵	بهار و نوروز
۲۳۰	عید قربان، عید فطر
۲۳۳	شب و روز، شب قدر
۲۳۶	چشمید، کسری، خسرو
۲۳۸	رقص و پایکوبی

۲۴۱	ابن سینا
۲۴۳	حضرت نوح (ع)
۲۴۹	پیری و روزگار و دوران آن
۲۵۶	نظامی
۲۵۷	سی مرغ به دنبال سیمرغ
۲۵۹	داستان سی مرغ و سیمرغ
۲۶۵	بیژن و منیزه
۲۶۶	هاروت و ماروت
۲۶۷	آرس. کاروان
۲۷۰	حضرت مریم (ع)، حضرت عیسی (ع)
۲۷۹	رودکی
۲۸۲	خنده
۲۸۴	مجریه
۲۸۶	گل و گیاه
۲۸۸	شام غریبان
۲۹۱	حافظ و بزرگان
۲۹۶	حضرت ابراهیم (ع)
۳۰۲	چشمه آب زمزم
۳۰۶	آفتاب، ستاره
۳۱۰	ماه، قمر زمین و ستارگان
۳۱۵	عاد و ثمود
۳۱۷	حضرت محمد (ص)
۳۲۳	آتشکده و دجله
۳۲۲	دوست و دشمن
۳۲۷	آسمان، زمین، آبر
۳۳۱	حافظ و آنچه او از خودش گفته
۳۳۷	حافظ و خدا
۳۴۴	راز محبوبیت حافظ
۳۴۵	حافظ و زمان ما

- ۳۵۱ نویسنده کتاب با حافظ
- ۳۵۳ منابع
- ۳۵۵ یک یادآوری و درد دل از نویسنده کتاب
- ۳۵۸ گفتاری کوتاه درباره نویسنده

■ مقدمه:

این اثر برای همه ایرانیان عزیز است، اما چون نویسنده و گردآورنده آن در حال حاضر در خارج از کشور زندگی می‌کند و این مجموعه را نیز در آنجا به نگارش درآورده است، جهت هموطنان گرامی خارج از ایران که به نوعی از فرهنگ زبان فارسی به دور مانده‌اند، سعی کرده مطالب را به شکلی روان و بسیار ساده بیان کند.

از این رو تا جایی که ممکن بوده است، معانی واژه‌ها و کلمه‌هایی را که در صحبت‌های روزانه کمتر از آن‌ها استفاده می‌شود، را به روی کاغذ آورده تا خواننده کتاب راحت و بدون دردسر، مطالب و نوشته‌ها را خوانده و پیگیری کند.

غزل‌ها را چو مروارید غلطان

به بند عاشقان دل، رها کردی تو حافظ

به گفتار و کلام عارفانه

میان اهل دل، شوری به پا کردی تو حافظ

به اشعار لطیف شاعرانه

شکرریز بیان با آشنا کردی تو حافظ

به آهنگ دف و نی با ترانه

همه شعر و غزل را یک نوا کردی تو حافظ

هم از دشت و زمین و آسمان‌ها

به علم و معرفت راهش سوا کردی تو حافظ

به دل افسرده گشتی از غم یار

ولی چندی دگر فکر بقاء کردی تو حافظ

تو گفתי غم مخور دنیا چنین است
حساب آدمی از غم جدا کردی تو حافظ
شیانگاهان به نور ماه و مهتاب
به سوی قبله حاجت دُعا کردی تو حافظ
غم و اندوه بی حد دلت را
به خلوت باخدای خود دوا کردی تو حافظ
اگر پروین نموده یادت امروز
میان عاشقان او را صدا کردی تو حافظ

مروارید غلتان = مروارید کاملاً گرد

شور = هیجان

شکر و شکر ریز (شکر ریزنده) = شکر افشان (به کنایه سخن نفوذ، سخن لطیف)

بقا = زیستن، زندگانی کردن، زنده ماندن، جاوید ماندن

شیانگاه = هنگام شب، شب هنگام

قبله حاجت (حاجات) = کسی که حاجتمندان به او روی آورند و نیاز و آرزوی

خود را از او خواهند.

بی حد = بی اندازه

خلوت = تنهایی گزیدن، تنها نشستن، تنهایی، انزوا

■ پیش‌گفتار:

سلام گرم من به شما دوستان عزیزی که با انتخاب این کتاب تصمیم به خواندنش گرفته‌اید. امیدوارم مطالب جمع‌آوری و تدوین‌شده این مجموعه، آن‌چنان آموزنده و دلنشین باشد که شوق خواندن و ادامه دادن آن را تا پایان کتاب در شما نگه دارد. پس با اجازه شما، مطلب را شروع می‌کنم.

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان جهان است؛ کتابی که بر مُحَمَّد، پسر عبدالله، صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم (سلام و درود خداوند بر او و خاندانش باد) نازل شد. این یک کتاب برای تمام فرقه‌های اسلامی و شامل ۱۱۴ سوره (۹۵ سوره مکی و ۱۹ سوره مدنی) است و خداوند در بسیاری از سوره‌های قرآنی از این راهنمای آسمانی صحبت کرده است. در این میان می‌توان از سوره (ص) نام بُرد:

«این قرآن کتاب مبارک و بزرگ‌مرتبه‌ای است که بر تو نازل کردیم (خطاب به حضرت مُحَمَّد ص) تا مردم در آیاتش تفکر کنند و صاحبان

عقل و خرد، از آن پند گیرند.» (سوره ص / ۳۰)

آیه = (جمع کلمه آیات) نشان، علامت، (آیه‌های قرآنی = نشان‌های قرآنی)

تعالی = (تعالا) بالا است، واذ است، برتر است، (در مورد خدا به کار برده می‌شود)

تفکر = اندیشه‌کردن، فکرکردن

سوره = هریک از فصل‌های یک‌صد و چهارده‌گانه قرآن

ص = نام یکی از سوره‌های قرآنی

(ص) = حرف صاد نشانه صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم است، به معنی سلام و درود خداوند بر او و خاندانش باد (منظور سلام بر حضرت مُحَمَّد و خاندان اوست) که برای کوتاه کردن، سخن و نوشته به این صورت به کار می‌رود.

فرقه = دسته، طایفه، گروه

منظور = مقصود، مُراد

در قرآن، شرح زندگانی حضرت آدم ع (سلام بر او، آن مُرد) حضرت

موسی^(ع)، حضرت ابراهیم^(ع)، حضرت مریم^(ع) (سلام بر او، آن زن) حضرت سلیمان^(ع)، حضرت عیسی^(ع)، حضرت مُحَمَّد^(ص) و پیغمبران دیگر نوشته شده است. اضافه بر این‌ها، مطالب آموزشی، تربیتی، اخلاقی و اجتماعی دیگری هم در این کتاب آسمانی آمده است که برای دانش‌طلبان و اهل تحقیق جالب توجه است و آنان را بر آن داشته تا در آیاتش بررسی بیشتری بنمایند. از میان دانشمندان می‌توان از حافظ نام برد که به اشارت، بسیاری از گفته‌های قرآنی را در اشعار خود گنجانده است. او قرآن را با چهارده روایت در حفظ داشت و به همین خاطر که حافظ قرآن بود و قرآن را از بر می‌خواند و معانی آن را به خوبی می‌دانست، به سفارش یکی از علما، تخلص «حافظ» را برای خود انتخاب کرد.

صبح‌خیزی و سلامت‌طلبی چون حافظ هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم

اهل تحقیق = مردم علاقه‌مند به بررسی، به مطالعه، به پژوهش = پژوهش (اشارت = بیان، رأی، اظهارنظر، پوشیده سخن گفتن (رمز)
اشعار = (جمع کلمه شعر) چاه‌ها، سرودها، نغمه‌ها، چکامه‌ها یا چکامه‌ها
تخلص = نام شعری هر شاعر
حافظ = نگهبان، حفظ‌کننده، آنکه قرآن را از بر دارد
دولت = از حالی به حالی دیگر شدن، اقبال، نیکبختی، گروهی که به یک مملکت حکومت کنند، قوه مجریه
روایت = نقل کردن، مطلب، خبر
صبح‌خیزی = صبح خیزنده، سحرخیز، آرامش‌جویی، آنکه به سلامت زود
علما = دانایان، دانشمندان (جمع کلمه علیم)
«» در مقابل اسم پیغمبران و امامان، به معنی علیه‌السلام می‌آید (سلام و درود بر او)

■ چگونه شمس‌الدین محمد شاعر شد

اکنون ببینیم چه چیزی باعث شد که او به سوی شعر و شاعری برود.

حافظ شیرازی نامش مُحَمَّد و لقبش شمس‌الدین است. پدرش از اهالی کوپای اصفهان و مُردی بازرگان بود و مادرش اهل «کازرون». شمس‌الدین مُحَمَّد که به حافظ نامی و مشهور شد، سومین فرزند خانواده بود و بیشتر با خانواده‌اش در شهر شیراز زندگی می‌کرد. خیلی زود پدرش درحالی‌که از خود، برای خانواده‌اش دست‌مایه و سرمایه‌ی زیادی به‌جای نگذاشته بود وفات یافت. شمس‌الدین در کنار مادر زندگی می‌کرد و روزگار را می‌گذراند تا اینکه مادرش وی را در یک دُکان نانویی به شاگردی سپرد. نزدیک همان دُکان مکتب‌خانه‌ای بود که او در زمان فراغت و آسودگی خود آنجا می‌رفت و درس می‌خواند.

کنار نانویی پارچه‌فروشی بود که شعر می‌گفت و گاهی عده‌ای هم برای شنیدن اشعار او دورش جمع می‌شدند. شمس‌الدین مُحَمَّد که می‌دید مردم از مُشاهده‌ی شاعر و خواندن شعر خوششان می‌آید، به دُنبال یادگیری علم فن شعر رفت. پس می‌توان گفت این پارچه‌فروش و شعرهایش انگیزه و سببی شدند تا او به‌سوی شعر و شاعری برود.

از همین جا بود که در اوان جوانی به طبع‌آزمایی در شعر پرداخت، تا جایی که در سن بیست سالگی به این توفیق و شایستگی دست یافت که اشعارش را مورد توجه و التفات پادشاهان و بزرگان عصر و زمان خود قرار دهد و به خاطر حضور در جمع و محافل استادان، علما، عارفان و سایر بزرگان عصر خود و آشنایی با آنها، مانند خواجه قوام‌الدین عبدالله و همین‌طور مُطالعات دیگر توانست در کلیه فنون ادبی، مسائل فقهی، حکمت و عرفان، اصول مذاهب، تصوف، علوم و معارف زمان خود تبحر پیدا کرده و به درجه‌استادی برسد.

اوان = هنگام، زمان، (اوان جوانی = هنگام جوانی)

التفات = باز نگریستن، مهربانی، لطف، توجه

تبحر = بسیار دانا شدن، علم و معرفت زیاد داشتن، مهارت داشتن

تصوف = صوفی شدن، رونده‌ی راه حق